

۱۵۰ بازی

جهت تقویت هوش کودکان

آن باکوس - کریستیان رومان



ترجمه از انگلیسی به عربی:

فادیا عبدوش

ترجمه از عربی به فارسی:

فاطمه کاظمی

به کوشش و ویرایش: استاد حسنعلی میرزاییگی

سرشناسه : باکوس، آن، رومان، کریستیان
 عنوان و نام پدیدآور : ۱۵۰ بازی جهت تقویت هوش کودکان / آن باکوس، کریستیان رومان /
 ترجمه به عربی : فادیا عبدوش / ترجمه به فارسی : فاطمه کاظمی
 مشخصات نشر : قم: بیلاق یاران، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۱۶۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۲۲-۳۳-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : کودک- هوش - بازی
 رده بندی کنگره : ۸۳ م / ۷۳۴ HQ
 رده بندی دیویی: ۶۴۶/۷۸ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۴۲۴-۸۹ م

مرکز پخش : تهران، اتوبان آهنگ، پلاک ۵۴

۰۹۱۲۱۵۳۰۰۷۱ - ۰۲۱-۳۳۴۳۱۴۵۲

aienedanesh@yahoo.com

www.ayenedanesh.com

۱۵۰ بازی

جهت تقویت هوش کودکان

نوشته: آن باکوس - کریستیان رومان، ترجمه: فاطمه کاظمی

به کوشش و ویرایش: حسنعلی میرزاییگی

ناشر بیلاق یاران
 نوبت چاپ اول، ۱۳۹۳
 حروف نگاری و صفحه آرایی زهرا حسن خانی - سهیلا گرنه زاده
 قیمت ۵۵۰۰ تومان
 شمارگان ۵۰۰ جلد
 لیتوگرافی صیام
 چاپخانه جعفری
 مرکز پخش انتشارات فن افزار

ISBN: 978-600-7722-33-6

••

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۲۲-۳۳-۶

فهرست

۷	● مقدمه
۸	□ چه گونه به تقویت استعداد های فکری کودک بپردازیم؟
۹	□ هر کودکی، تیزهوشی خاصی دارد.
۱۱	□ نقش محیط
۱۲	□ بازی و یادگیری
۱۴	□ نقش فضای خانه
۱۶	□ عناصر رشد عقلی
۱۸	□ مراحل رشد
۲۵	● از زمان تولد نوزاد تا یک سالگی
۲۷	□ تا ماه چهارم
۲۸	□ از چهار تا هشت ماهگی
۲۹	□ از نه ماهگی تا یک سالگی
۵۱	● کودک از یک تا دو سالگی
۷۱	● کودک از دو تا سه سالگی
۹۱	● کودک از سه تا چهار سالگی
۱۱۱	● کودک از چهار تا پنج سالگی

- کودک از پنج تا شش سالگی ۱۳۱
- و بعد از آن ۱۴۹
- ۱. چه گونه قصه بگویید؟ ۱۵۱
- ۲. آموزش شمارش ۱۵۳
- ۳. گشودن درِ مباحثه ۱۵۴
- ۴. کودکان را تشویق کنید! ۱۵۴
- ۵. بگذارید به تنهایی در مورد کارهایش تصمیم بگیرد! ۱۵۵

مقدمه

پنجاه سال است که تحقیقات متعددی در زمینه‌ی فهم ماهیتِ فعالیتِ ادراکی کودک و چه گونه‌ی پیشرفت آن انجام شده است. به عبارت دیگر، تحقیقات متعددی در زمینه‌ی روشی که کودک به وسیله‌ی آن می‌آموزد، رشد می‌کند و آموخته‌هایش را به صورت منظم دسته‌بندی می‌نماید، صورت گرفته است.

اخیراً محققان توانسته‌اند، بسیاری از قابلیت‌های نوجوانان را مشخص کنند و در این تحقیقات، به نتایج بسیار شگفت‌انگیزی دست یابند. به طور کلی، کودکان از توانایی، استعداد و بلوغ زودرس برخوردارند و بیش از حد تصور ما برای زندگی تلاش می‌کنند. بعد از این اکتشافات، بیشتر افراد از زاویه‌ی جدیدی به اطفال می‌نگرند.

تفکر اساسی در ورای همه این مسائل، اثبات این مسئله است

که کودک نه فقط با بزرگسال برابری می‌کند، بلکه به دنبال بازی‌هایی است که به او امکان به فعلیت رساندن توانمندی‌هایش را می‌دهد و باعث گسترش آموخته‌هایش می‌شود.

◀ چه گونه به تقویت استعداد های فکری کودک پردازیم؟

هدف اول بازی‌های پیشنهادی این کتاب، سرگرمی گروهی و همچنین همگامی با رشد تیزهوشی کودک است. انجام هرگونه فعالیت فکری، با تشویق و ممارست بیشتر می‌شود. در این‌جا، منظور ما تشدید فعالیت‌های فکری یا تشویق کودک به سبقت گرفتن از سنش نیست. در واقع، شما صرفاً با مطالعه‌ی این کتاب نمی‌توانید فرزندان را به نابغه‌ی کوچک تبدیل کنید.

شما نباید در برابر رشد فکری کودکان، موضع منفی بگیرید و منتظر باشید او به تنهایی پیشرفت کند؛ زیرا هر قدر در تغییر صورت عکس‌العمل‌های ناخودآگاه و طبیعی کودک سهیم باشید، توانمندی‌ها و تمایزش به یادگیری بیشتر می‌شود.

شما باید در آموزش کودکان، دورتر از واقعیت‌ها حرکت کنید و به کیفیت یادگیری، نوآوری و بازی با فعالیت فکری وی پردازید. تثبیت پایه‌های ترکیبی فکر کودک، فقط از طریق افزایش قدرت ساختاری‌یی که در آینده بر آن استوار است، امکانپذیر می‌باشد.

تربیت از این زاویه، باعث پرورش کودکان نابغه در محیطی

گرم و مهیج می‌شود، به طوری که عملکرد فکری، جایگاه طبیعی خود را به دست می‌آورد. این عملکرد دارای گونه‌های متنوعی است. به عنوان مثال، در این زمینه می‌توان به فکر انتقادی‌یی که در وهله‌ی اوّل مطابق با خود فرد است، اشاره نمود. فکر انتقادی، همان قدرت تجزیه و تحلیلِ اوّلین چیزی است که به ذهن خطور می‌کند و سپس دور کردن آن تصوّر است.

تیزهوشی، ارزشی ساده نیست که فقط برخی افراد آن را به ارث می‌برند، بلکه استعدادی متنوع است که از عناصر متعدّدی تشکیل شده است. همه کودکان به اندازه‌ی مساوی به یادگیری و اکتشاف تمایل دارند. تیزهوشی، برتری فطریِ بزرگ، میل به رشد و پیشرفت و تلاش برای رسیدن به هدف است. اینها همان قواعدی است که در خصوص تعامل با فرزندان، پیشنهاد می‌دهیم. این ویژگی‌ها باید حفظ شوند و گسترش یابند و بهتر است در فضایی سالم مورد استفاده قرار گیرند. آیا چیزی وجود دارد که با لذّت بازی برابری کند؟

◀ هر کودکی، تیزهوشی خاصی دارد.

در دوران رشد و نمو، وجوه مشترکی بین تمام کودکان وجود دارد که با بلوغ جسمی و روحی آنها در ارتباط است. گرچه می‌توانیم با قاطعیّت بگوییم که کودک قبل از راه رفتن، می‌نشیند، امّا هیچ کس قادر نیست بفهمد چه زمانی راه رفتن یا نشستن حاصل می‌شود؛

زیرا کودکان در بسیاری موارد با یکدیگر متفاوتند. هیچ کودکی نیست که کاملاً شبیه کودک شما باشد.

روند یادگیری کودکان با یکدیگر متفاوت است. در این راستا پیچیدگی‌های دستیابی به کتابی که به همه کودکان توجه کند، آشکار می‌شود. برخی کودکان، می‌توانند قبل از همسالان خود سخن بگویند. در واقع، آنها می‌توانند در سنین خردسالی از یک تاده بشمارند و این امر کاملاً طبیعی است.

در این کتاب، پیشنهاداتی برای کودکانی که هیچ تناسبی با سن کودک شما ندارند، ارائه شده است. ما این‌جا در مدرسه نیستیم. این حق کودک است که تمام توجهش را معطوف به بازی‌یی که تناسبی با سنش ندارد نکند؛ زیرا لذت بردن از بازی، بسیار مهم است.

به جای آشفته‌گی در ماشین یا احساس خستگی در پارک عمومی، بهتر است برای کودکان فعالیت‌های سرگرم‌کننده‌یی را بیابیم که باعث شکوفایی توانمندی‌هایش شود. روند یادگیری این فعالیت‌ها و مراحل آن تا حد زیادی متغیر است. ما می‌توانیم از طریق این فعالیت‌ها گونه‌های مختلفی از تیزهوشی را که با تفاوت فرزندان تغییر می‌یابد، تشخیص دهیم. مسئله‌ی مهم این است که کودک نیازمند تیزهوشی است. به عنوان مثال: می‌توانیم به تیزهوشی خلاق، تیزهوشی در حد فهم انتزاعی، تیزهوشی سازگاری با شرایط اجتماعی، تیزهوشی مهارت دستی، تیزهوشی قلب، تیزهوشی کلمه، تیزهوشی ارقام و... اشاره کنیم. برخی کودکان از تیزهوشی

بینایی یا شنوایی برخوردارند و برخی دیگر صاحب تیزهوشی حرکتی یا لامسه هستند.

◀ نقش محیط

عامل وراثت و همچنین محیطی که کودک در آن رشد می‌کند، نقش مهمی در تیزهوشی دارد. تجربه‌های متعدّد، هشدارهای متنوّع و محیط گرم و صمیمی تا حدّ زیادی به رشد توانمندی‌های کودکان کمک می‌کند.

این جمله که «همه چیز قبل از این سن مشخص می‌شود» را بارها شنیده‌ایم. می‌توان گفت، هیچ چیز امر قطعی و نهایی به حساب نمی‌آید، جز سال‌های اولیه‌ی زندگی کودک که نقش مهمی در رشد او ایفا می‌کند. بی‌توجهی نسبت به تعامل با کودک به هیچ وجه جایز نیست. والدین باید در زمینه‌ی پی‌ریزی ستون‌های محکم آینده‌ی کودک به او کمک کنند.

وقتی کودک به سنّ رشد برسد، به سرعت مغزش رشد می‌کند و قبل از ورود کودک به مدرسه‌ی ابتدایی، رشد مغزی‌اش کامل می‌شود. فرآیند فکری بزرگ و ساختارهای فکر، یعنی روشی که کودک از طریق آن، آموخته‌هایش را منظم می‌کند و از تیزهوشی‌اش بهره‌مند می‌گردد، در سنّ شش سالگی کامل می‌شود. لذا به نظر می‌رسد که کیفیت تجربه‌های اولیه و تعداد این تجربه‌ها، شالوده‌ی پیشرفتِ فکر در آینده است. بنابراین، خانواده و مربّیان نباید این

مسئله را فراموش کنند که از طریق بازی می‌توانند کودک را به ابزارهای اندیشه، ابتکار و یادگیری مجهز سازند. همه این فعالیت‌ها، موجب فعال شدن تیزهوشی می‌شود و در این مرحله و در آینده از اهمیت فراوانی برخوردار است.

◀ بازی و یادگیری

کودک از طریق سرگرمی رشد می‌کند و بین بازی و یادگیری تفاوتی قایل نمی‌شود. علاوه بر این، کودک هنگامی که با اشیاء بازی می‌کند یا در مورد چیزهایی که می‌خواهد بداند، فکر می‌کند، چیزهای جدیدی را می‌آموزد. به همین دلیل، احساس می‌کند که نیازمند حرکت دائمی است و به آن تمایل دارد. اگر تیزهوشی کودک موجب ایجاد پیوند میان حرکات جسمی و فکری‌اش شود و این فرآیند به صورت مکرر تکرار گردد، کودک به مرحله‌ی رشد و تکامل دست می‌یابد. به همین دلیل، بازی‌های ما باید از یک طرف موجب ایجاد لذت و سرگرمی، عمل و تمرین شود و از طرف دیگر، شرایطی را فراهم کند که باعث پیشرفت توانمندی‌های کودکان گردد.

بازی جایگاه خاصی در رشد کودک دارد و دلیل مهمی بر بهداشت جسمی، روحی و فکری کودک است و همچنین موجب رشد روحیه‌ی شاداب در آنها می‌شود.

بازی، روشی برتر برای یادگیری است؛ زیرا کودک بدون تلاش و بدون اینکه بفهمد، آموزش می‌بیند. بدین ترتیب، بازی‌ها علاوه بر

لذتی که به کودکان می‌بخشند، به آنها اجازه‌ی استفاده از جسم و حواسشان را نیز می‌دهند و همچنین زمینه‌ی فراگیری و تمرین دادن مؤثر بسیاری از اطلاعات را برای کودک فراهم می‌کنند.

کودک از طریق بازی، تمرکز و احترام به دیگران را می‌آموزد. تخیل وسیع خود را شکل می‌دهد و آن را توسعه می‌بخشد. والدین باید فضایی سرگرم‌کننده برای فرزندشان ایجاد نمایند، برایش فرصت تجربه کردن را فراهم سازند و تا حد امکان، پیشرفت فرزندشان را به خودش اختصاص دهند.

کودکان تمایل زیادی به بازی و یادگیری دارند، ولی بیشتر علاقه دارند که با بزرگسالان هم‌صحبت شوند. آنچه کودک می‌خواهد این است که بزرگسال به او توجه کند و قسمتی از وقت و مهربانی خود را به او اختصاص دهد. با بازی با کودکان می‌توانید خواسته‌های آنها را فراهم سازید. هنگامی که زمینه‌ی داشتن انگیزه‌ی دایمی را برای کودک فراهم کردید، کودک پیشرفت می‌کند و چیزهای جدیدی را می‌آموزد.

اگر تمام خواسته‌های ما از او در حد مساوی باشد و در هر بار فراموش نکنیم که تلاش‌هایش را ارج نهیم و او را تشویق کنیم، انگیزه‌ی او به شکلی قوی باقی می‌ماند. به عبارت دیگر، باید فعالیت‌هایی را که کودک در آن موفق است و از انجام آن احساس آرامش می‌کند، برایش به نمایش بگذاریم. اگر خلاف این کار را انجام دهیم، کودک در تنگنا قرار می‌گیرد و احساس شکست

می‌کند. بدین ترتیب، نتیجه برعکس می‌شود؛ زیرا کودک اعتماد به نفسش را از دست می‌دهد، دچار ابهام می‌گردد و دیگر نمی‌خواهد چیزی را با ما بیاموزد. در صورتی که کودک در انجام فعالیت‌هایش موفق شود، باید به او تبریک بگوییم و به وی افتخار کنیم؛ زیرا این مسئله باعث می‌شود انگیزه‌اش قوی گردد.

بازی‌های پیشنهادی در این کتاب، فرصتی حقیقی برای کودکان فراهم می‌کند و زیاد وقتتان را نمی‌گیرد، بلکه فقط اوقاتی را به کودکان اختصاص داده‌اید. مثلاً: به هنگام انتظار در نوبت دکتر، در فروشگاه، به هنگام انتظار برای آماده شدن غذا، در اثنای تفریح در پارک یا هنگامی که در ماشین احساس خستگی می‌کنید. این بازی‌ها را برای گفت‌وگوی برتر با کودک، پُر کردن اوقات فراغت و از بین بردن احساس آشفتگی روحی ابداع کرده‌ایم.

◀ نقش فضای خانه

در پژوهشی که روی روش تربیتی برخی افراد موفق صورت گرفت، ناظران با وجوه مشترکی در تربیت این افراد مواجه شدند. محققان تا به حال توانسته‌اند بعضی خصلت‌ها را کشف کنند. این خصلت‌ها عبارتند از: رشد فرزندان از زمان نُه‌سالگی در محیطی مرفه، باعث می‌شود به کشف جهان اطراف خود بپردازند. بدین ترتیب، خانواده‌های آنها دریافتند که هرگونه تعلیمی باید از راه بازی و سرگرمی وارد شود. به همین دلیل، فرزندان‌شان را

تشویق می‌کنند، به آنها انگیزه می‌دهند، برای تحریک تلاش‌هایشان، آنها را آزاد می‌گذارند و همچنین در برابر آنها انعطاف‌پذیری زیادی از خود نشان می‌دهند.

این عوامل در کنار هم، زمینه‌ی ایجاد یک فضای خانوادگی سرشار از احترام و صمیمیت را فراهم می‌کند. هنگامی که به کودک اجازه‌ی بازی کردن بدهیم، می‌توانیم فرصتِ فکر بیشتری در اختیارش بگذاریم.

همان‌طور که می‌بینید امکانات زیادی برای خانواده و مربیان وجود دارد که در رشد تیزهوشی کودک مؤثر است. امروزه شیوه‌های تکامل به این رشد شناخته شده است، ولی این مسئله در همین حد باقی نمی‌ماند؛ زیرا جنبه‌ی عاطفی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و همچنین احساس پایداری و مشارکت، روابطی مستحکم و دوستانه به وجود می‌آورند و منجر به ایجاد ارتباطی مستحکم با کودک می‌شوند. این بازی‌ها هیجانِ کودک را برمی‌انگیزند و باعث می‌شوند کودک از نزدیک مورد مراقبت قرار گیرد. این نوع بازی‌ها ما را از سلیقه‌ها، شادی‌ها و مواضع قدرت کودکمان آگاه می‌کند، به ما اجازه‌ی تربیت او را می‌دهد و همچنین احساس آرامش داخلی و محبت مورد نیاز برای رشد وی را فراهم می‌سازد.

ما اطمینان داریم که این روش جدید در پیوند بازی با هوشیاری، باعث ایجاد رفتارهایی می‌گردد که این رفتارها،

فرصت‌هایی حقیقی برای آینده‌ی کودک محسوب می‌شوند و موجب ثبات وی در طرح شکوفایی کلی که در آن تیزهوشی قلب از جایگاه بسیار ویژه‌ی برخوردار است، می‌گردند.

◀ عناصر رشد عقلی

کودک فکر می‌کند و با شیوه‌ی متفاوت با بزرگسالان، به درک جهان اطراف خود می‌پردازد. هر قدر سن کودک پایین‌تر باشد، این تفاوت بیشتر است و به تدریج در اثنای رشدش، ساختارهای عقلی‌اش شکوفا می‌شود. ما در بسیاری موارد مدیون پیازه^۱ هستیم؛ زیرا او از اولین کسانی بود که نظریه‌ی رشد تدریجی تیزهوشی کودک در مراحل پیوسته‌ی عمرش را مطرح کرد. پیازه معتقد بود تفکر کودک حالت خاصی از سازگاری بیولوژیکی است. وی رشد کودک را به وسیله‌ی چهار عنصر اساسی تشریح کرد:

عنصر اول همان بلوغ است. کودک متولد می‌شود، در حالی که مجهز به بعضی توانمندی‌هاست. به این نوع توانمندی‌ها، واکنش غیرارادی گفته می‌شود و نیازمند هیچ گونه تمرینی نمی‌باشد. با گذشت زمان، بیشتر این توانمندی‌ها مخفی می‌شوند. علاوه بر آنچه گفته شد، کودک مجهز به بعضی توانمندی‌های پوشیده‌ی است که با رشد دستگاه عصبی آشکار می‌گردند.

1) Piaget.

تنوع موقیّت‌هایی که در آن، این توانایی‌ها تمرین می‌شود، همان چیزی است که به طور کلی امکان تقویت توانمندی‌های کودک را مشخص می‌کند.

عنصر دوم، تجربه‌ی مادی است. این امر بدین معنی است که کودک با محیط، اشیاء، اماکن، اشخاص و... ارتباط می‌یابد و بدین ترتیب، از نظر فکری رشد می‌کند. از طریق ارتباط با تمام اینها، کودک می‌آموزد که موقعیّتش را تشخیص دهد و موقعیّت عادی را از موقعیّت متفاوت متمایز کند تا به نتیجه برسد.

در این مرحله، پایه‌های فکر علمی و منطقی شکل می‌گیرد. عنصر سوم، انتقال فرهنگی و اجتماعی است. با اینکه کودک، محیط اطراف خود را کشف کرده، اما هنوز سخن گفتن، بازی کردن و نشستن را نیاموخته است. اینها، عادت‌های ساده‌یی است که نظام زندگی روزانه‌مان را تشکیل می‌دهد و از یک شهر به شهر دیگر و حتّاً از یک خانواده به خانواده‌ی دیگر متفاوت است. همه تمدّن‌ها دارای موسیقی، آیین‌ها و آداب اجتماعی خاصّ خود می‌باشند.

این مرحله، فضای تکامل یافته‌یی است که کودک در آن پرورش می‌یابد، طوری که نمی‌توانیم آموخته‌های کودک را نادیده بگیریم. عنصر چهارم و پایانی، همان خویشن‌داری است. کودکان متولّد می‌شوند، در حالی که در وجودشان قدرتی است که آنها را به سمت نبوغ فکری می‌کشاند؛ نبوغی که نقش خود را به بهترین وجه ایفا

می‌کند. بدین ترتیب، کودکان از ساده به مرکب، از غرض حقیقی به رمز آن و از حسی به انتزاعی دست می‌یابند.

مفهوم نبوغ، کیفیت رسیدن به این فرآیند را برای ما تشریح می‌کند. این مسئله همان فرآیند توازن داخلی است که دائماً آموخته‌های کودک را ثبت می‌کند، تا جایی که تجربه‌های جدید کودک، به آن آموخته‌ها اضافه می‌شود. مکتب فکری اوّل، مبتنی بر پیوند تجربه‌ی جدید با اشیا یا انواعی است که کودک با هدف تشخیص یا گسترش آن با آن اشیا آشنایی دارد. اگر آن اشیا برایش غیر قابل درک باشد، گروه‌های فکری جدیدی را خلق می‌کند. در این مواقع، امکان توسعه‌ی مفاهیم جدید وجود ندارد، مگر اینکه کودک از وقت کافی برای یادگیری مفاهیم قدیم استفاده کند. به عنوان مثال: «آلن» سگ‌ها را می‌شناسد و تمام حیوانات را سگ می‌پندارد، در صورتی که او هرگز سگ بزرگی ندیده است. او در وهله‌ی اوّل به دنبال وجوه مشترک بین این حیوان جدید و حیواناتی که تا کنون شناخته است، می‌پردازد؛ ولی اگر این کار غیر ممکن باشد و او در باغ حیوانی مثلاً گرگ، کفتار یا حیوانی دیگر را ببیند، در ذهنش گروه جدیدی شکل خواهد گرفت.

◀ مراحل رشد

شناسایی این ابزارهای فکری و رشد فکر کودک بالغ بر حسب سنّش، برای شخصی که می‌خواهد فعالیت‌هایی متناسب با هر

کودک پیشنهاد دهد و به رشد فکری کودک کمک کند، امری بسیار مهم است. هر قدر بازی‌هایی که به کودکان پیشنهاد می‌دهید، توجه او را تحریک کند و مناسب با سطح فکری او باشد، زندگی‌اش مرفه و غنی می‌شود. اهمال این شناخت، ممکن است منجر به پیشنهاد فعالیت‌هایی شود که کودک در برابر آن با شکست مواجه گردد یا باعث خستگی‌اش شود. اگر به دقت بنگرید می‌بینید که بازی‌ها، تفکر کودک، تمایلش به اکتشاف و منطق و قدرتش بر قضاوت را فعال می‌کنند و موجب شادابی و سازگاری وی با محیط روزانه‌اش می‌گردند.

مراحل اولیه‌یی که کودک پشت سر می‌گذارد:

مرحله‌ی اول که «پیاژه» آن را مشخص کرده است، سال‌های اول و دوم زندگی کودک را دربرمی‌گیرد. تیزهوشی که حالتی حسی و حرکتی Sensori - motrice نامیده می‌شود، به وسیله‌ی حواس و جسم به دست می‌آید. کودک، جهان را با ابزارهایی که به او داده می‌شود، کشف می‌کند. عادات و امکان شناسایی اشیاء، اشخاص و شیوه‌های برخورد با آن را می‌آموزد و به تدریج، با محیط اطراف خود آمیخته می‌شود و رفتارهایش ارادی می‌گردد. تیزهوشی کودک به سرعت تکامل می‌یابد. هر قدر محیط اطراف کودک، اجازه‌ی امتحان و تجربه را به کودک بدهد، رشد این تیزهوشی افزایش می‌یابد.

بعد از این مرحله، مرحله‌ی مقدماتی Pyeo Peyatoiye است که تا

سنّ شش یا هفت سالگی ادامه می‌یابد. در این مرحله، کودک پیش از آنکه به تقلید از دیگران پردازد، از طریق بازی‌های سمبلیک، زندگی خود را به تصویر می‌کشد. کودک اکتشافات و تجربه‌های خود را دنبال می‌کند، سؤالاتی را مطرح می‌سازد، فرضیه‌هایی را برای این سؤالات در نظر می‌گیرد، از طریق بررسی و تقلید چیزهایی را که می‌بیند، می‌آموزد و به ندرت تجزیه و تحلیل می‌کند و هیچ گونه اهمیتی برای جزئیات قایل نمی‌شود، مگر اینکه نظرش را به سوی جزئیات جلب کنیم. به طور کلی، کودک در این مرحله بیشتر به بررسی حالات و قضاوت آنها می‌پردازد و خیلی زیاد تحت تأثیر منطق بزرگسالان قرار نمی‌گیرد. به دلیل قدرت تخیل بالا، او حیوانات و اشیای جامد را زنده می‌پندارد؛ ولی با این حال، تفاوت زیادی بین جهان واقعی و خیالی قایل نمی‌شود.

هنگامی که کودک به سنّ یازده سالگی که همان مرحله‌ی فرآیند واقع‌گرایانه (operations concretes) است، می‌رسد، مرکزیت اندیشه‌اش پایان می‌یابد، نسبت به جنبه‌های اجتماعی احساس بیشتری نشان می‌دهد و اغلب با یک فرد یا گروه، دوستی برقرار می‌کند. در این مرحله، اندیشه‌ی او واقع‌گرا و به دور از انزوا گزینی‌ست. بدین ترتیب، پیوسته به دنبال واقعیّت‌های حسّی می‌رود و به مفاهیم انتزاعی توجّه نمی‌کند، مگر در مرحله‌ی بعدی.

این بررسی سریع، بسیار خلاصه است. هدف از این بررسی، اثبات این مسئله بود که کودک مانند یک انسان بالغ فکر نمی‌کند.

ما باید به دقت بدانیم که کودک در چه زمانی آماده‌ی وسعت بخشیدن به این قدرت می‌شود تا در موقعیتی مناسب این مسئله را به او پیشنهاد دهیم. در صورتی که این پیشنهاد را قبل از موعد بیان کنیم، موجبات شکست او را فراهم می‌سازیم و اگر بعد از موعد این کار را انجام دهیم، فایده‌ی پرداختن به امر مطلوب از بین می‌رود.

اگر متناسب با سن کودک، او را تشویق نکنیم، کودک به شکل مطلوب رشد نمی‌کند. این مسئله، اهمیت این تألیف را آشکار می‌سازد؛ زیرا برای هر سن، فعالیت‌های سرگرم‌کننده‌ی مناسبی را ارائه داده است.

نویسندگان این کتاب به پنج فرزند اکتفا کرده‌اند و قبل از اینکه این بازی‌ها را به شما ارائه دهند، آن را مورد آزمایش قرار داده‌اند. تمام این بازی‌ها مفید و سرگرم‌کننده هستند، و برای هر کدام از آنها سبکی خاص و اسباب‌بازی‌های معینی وجود دارد و کیفیت تیزهوشی هر یک از آنها تعیین شده است.

شما باید به فرزندان‌تان توجه کنید و با مهربانی با آنها خو بگیرید.

علاوه بر این، بیشتر این بازی‌ها مستلزم داشتن ابزارهای مخصوصی نیست، شما می‌توانید بدون هرگونه تشریفات، مشغول بازی شوید.

در ابتدای هر فصل، جدولی ذکر شده و هر بازی در آن شماره‌گذاری

گردیده است؛ اما این جدول‌ها به موقعیت خاص آن بازی (در وسایل نقلیه، در سالن‌های انتظار، در منزل، در پارک عمومی و...) و به توانایی‌هایی که حافظه، منطق و حس لامسه آن را افزایش می‌دهد، اشاره نمی‌کند.